

ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی، موانع و پیامدها

دکتر جعفر قامت

استاد دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

سازمان تجارت جهانی «WTO» مانند اکثر سازمانهای جهانی سیر تحول تاریخی طولانی را تا تشکیل پشت سر گذاشته است؛ زیرا موضوع تشکیل سازمانهای فرامرزی با موضوع حاکمیت ملی دولتها در موارد متعدد تداخل دارد. بنابراین، هر قدر دامنه فعالیت این گونه سازمانها گسترده تر و تعداد دولتهای آنها بیشتر باشند، به همان نسبت فرایند تشکیل پیچیده تر و اغلب طولانی تر خواهد بود. فرایند تشکیل سازمان تجارت جهانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چند دهه تلاش گسترده جهانی پشتوانه آن بوده است. در واقع، سازمان تجارت جهانی برای پاسخ به یک نیاز اساسی جامعه جهانی شکل گرفته است. اگرچه در مورد میزان موفقیت در تأمین این نیاز دیدگاههای بسیار متفاوتی

ابراز شده است. این نیاز اساسی جامعه جهانی عبارت بوده است از، وجود یک مرجع مقتدر جهانی به منظور نظام بخشیدن به روابط اقتصادی جهانی که گاه موجب کشمکشهای شدید سیاسی بین کشورها گردیده است. ایران نیز به عنوان یک کشور در میان سایر کشورها به یقین در گیر همین کشمکش بوده و می باشد و در این گزارش به بررسی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، موانع و پیامدهای این مسئله می پردازیم.

سؤال این نیست که آیا ایران به این سازمان خواهد پیوست یا خیر، بلکه سؤال این است که کی و چگونه به آن خواهد پیوست؟ در ایران امروز گروههای مختلف سیاسی و اقتصادی دیدگاههای متفاوتی نسبت به پیوستن به این سازمان جهانی دارند. آن گروههای قدرتمند اقتصادی و صاحب نفوذ که از وضع موجود و گرانی کالاهای تولیدی و بازار سیاه بهره مند می شوند، همواره از پیوستن به سازمان تجارت جهانی جلوگیری می کنند و می دانند که در صورت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، اقتصاد رانت جویانه جمع آوری

خواهد شد و گروه‌های دیگر دیدگاه اقتصادی سالم‌تر جستجو می‌کنند و مسایل اقتصادی را در درازمدت مد نظر قرار می‌دهند، در تلاشند تا به تدریج و با هم‌خوانی کردن نیازها و خواسته‌های اقتصادی با مقررات سازمان تجارت جهانی به این سازمان راه یابند.

عضویت در سازمان تجارت جهانی قبل از اینکه یک مزیت بین‌المللی برای ما داشته باشد، در بردارنده یک مزیت داخلی است که ما را ملزم به اصلاح ساختارهای اداری-سیاسی، مدیریتی و اقتصادی و جلوگیری از اقتصاد رانت جویانه می‌کند. دستیابی به صادرات گسترده غیرنفتی، تغییر ساختارهای اقتصادی بدون اتکا به نفت، جذب سرمایه‌های خارجی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران و مراوده و مذاکره مستلزم چنین تغییراتی در صحنه جهانی است. نگاهی به شرایط موجود ایران و پتانسیل‌های آن در مقایسه با آنچه که اکنون بالفعل شده است، نشان می‌دهد که به طور کلی ایران از ویژگی‌های زیر برای تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه برخوردار است:

۱. منابع سرشار طبیعی (به ویژه نفت و گاز)؛

۲. امکانات زیربنایی و نقش ترانزیتی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک؛

۳. گسترش نسبی بازارهای داخلی برای جذب سرمایه و تجارت خارجی و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای؛ و

۴. امکان هم‌گرایی منطقه‌ای از طریق عضویت در برخی گروه‌بندی‌های اقتصادی و همبستگی با آنها.

ایران برای بهره‌گیری این امکانات بالقوه و تبدیل به بالفعل آن نیازمند ادغام هرچه سریع‌تر در نظام تجارت جهانی به منظور توجه به اصل هم‌گرایی منطقه‌ای و وابستگی متقابل و برقراری روابط نزدیک با کشورهای مختلف جهان می‌باشد. اگر در چند سال آتی موانع عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی برطرف نشود، فقط از حوزه حمل و نقل و ترانزیت کالا ضربه بزرگی بر پیکر اقتصادی کشورمان وارد می‌شود؛ زیرا ممکن است اعلام شود که ترانزیت کالا از کشورهای غیر عضو سازمان تجارت جهانی ممنوع است، که در این صورت حداقل ۸۰ درصد از روابط تجاری ما با بخش اعظم

کشورهای جهان مختل خواهد شد.

مانند تعرفه‌ها و سهمیه‌های وارداتی تأسیس شود.

ورود ایران به گات در قبل از انقلاب

با نگاهی به سیاستهای بازرگانی خارجی ایران در سالهای پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز و نقش غالبی که دولت در نظام بازرگانی خارجی ایفا می‌نماید، به ظاهر از جمله عوامل عدم الحاق ایران به این سازمان جهانی، آزادی عملی بوده است که دولت به کمک قوانین و مقررات سخت، سیاستهای حمایتی، تجدید و طبقه‌بندی واردات و صادرات، وضع حقوق و عوارض گمرکی سنگین و غیره در عرصه بازرگانی خارجی از آن برخوردار بوده است. از این منظر، عجیب است که کشور مایکی از ۴۴ کشور مستقل شرکت کننده در کنفرانس برتن وودز برای تأسیس صندوق بین‌المللی و بانک جهانی و همین طور گات در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۴۳ بوده است که منجر به امضای قرارداد تأسیس این سازمانها در ژوئیه ۱۹۴۴ شد. در اعلامیه نهایی کنفرانس برتن وودز، توصیه شده بود که سازمان دیگری تحت عنوان سازمان تجارت جهانی برای بررسی محدودیتهای تجاری

براساس این توصیه و مذاکرات، متعاقباً در سال ۱۹۴۷ قرارداد عمومی تعرفه و تجارت به امضا رسید و ابتدا ۳۳ کشور عضویت آن را پذیرفتند. غافل ماندن از عضویت در گات در سال ۱۳۲۶ شمسی را شاید بتوان به اوضاع آشفته سیاسی - نظامی ایران در سالهای پایانی جنگ جهانی دوم، به ویژه وقایع جدایی آذربایجان، کردستان و خراسان و خروج ارتش سرخ از ایران دانست که توجه دولتهای موقتی وقت را از مسایل درازمدت تر بازداشت. دلیل دیگر بی‌توجهی به عضویت در گات را شاید بتوان به وجود درآمدهای نفتی و علاقه زمامداران وقت در حفظ و ادامه تک‌روی و آزاد بودن در اتخاذ و اجرای سیاستهای موضعی بر محور منافع شخصی دانست. شاید هم در آن سالها به علت حاکم بودن اصل کامله الوداد، مهم‌ترین اصل مقرر در گات بر روابط تجاری ایران با برخی از عمده‌ترین طرحهای تجاری و به طبع بهره‌مند از مزایای مترتب بر این اصل، مسئولین ایران لزومی به پیوستن به این سازمان تجارت جهانی احساس نمی‌کردند.

سالهای قبل از انقلاب در کشور وجود داشت که تا تبدیل شدن به یک صادر کننده مهم کالاهای صنعتی، عضویت ایران در گات ضرورت ندارد.

جمهوری اسلامی ایران و «WTO»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحولاتی که در سیاستهای اقتصادی و تجاری ایران رخ داد، روابط بازرگانی با کشورهای غربی رو به وخامت و تیرگی نهاد و ایران به لحاظ تکیه بر یک سلسله اصول و ارزشهای خاص اقتصادی و سیاسی خود، نه تنها از نوع روابط رژیم گذشته با دیگر کشورها برخوردار نشد، بلکه برقراری تحریمهای اقتصادی بین المللی و بلوکه شدن داراییهای ایران در خارج بر مشکلات موجود بیش از پیش افزود. ایران در دهه ۱۳۶۰ به لحاظ مواجهه با رویدادهای خاص و بحران ساز اقتصاد نظیر تحریمهای بین المللی، بلوکه شدن داراییهای خارجی، فرار سرمایه از کشور، جنگ تحمیلی، افزایش هزینه های دولتی، محدود شدن منابع ارزی، کاهش شدید قدرت خرید ریال، نرخ بالای تورم و غیره عملاً در وضعیتی قرار داشته است که ضمن خارج شدن از

چرا که حتی با حفظ آزادی عمل و تداوم سیاستهای حمایتی در بازرگانی خارجی، از مزایای گات نیز در رابطه با کاهش تعرفه ها برخوردار می گردید. ایران در آن سالها به عنوان یک کشور در حال توسعه طرفدار غرب، به رغم عدم عضویت در گات از بسیاری از مزایای اقتصادی و تجاری که کشورهای پیشرفته برای کشورهای در حال توسعه در چارچوبهایی در نظر می گرفتند، بهره مند می شده است.

در واقع وجود مناسبات حسنه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری که نقش اصلی را در گات و دیگر سازمانهای بازرگانی و اقتصادی ایفا می کردند، خود زمینه ای بوده است جهت بهره مند شدن ایران از امتیازات اعطایی کشورهای توسعه یافته به دیگر اعضای گات؛ یعنی ایران که از مقررات کشورهای کاملاً الوداد بهره مند بود و آن را رعایت می کرد، دیگر ضرورتی برای عضویت در گات نمی دید. در ضمن قبل از انقلاب سمت گیری تجاری کشور به سوی جایگزینی واردات بود و چنین سیاستی حمایت از پاره ایی صنایع و وضع مقررات ویژه تلقی می شد. در مجموع، این نقطه نظر در

تعادل اقتصادی، قادر به تنظیم یک سیاست اقتصادی و تجاری منظم، برنامه ریزی شده و بلندمدت نبوده و اتخاذ هر نوع سیاستی در واقع تلاشی بوده است جهت فائق آمدن بر بحرانهای متعددی که یکی پس از دیگری با آنها مواجه گردیده است. از این این رو، ضرورت پیوستن به یک سازمان جهانی که مستلزم برخوردار بودن از یک سیاست تجاری منظم و حساب شده می باشد، به هیچ وجه احساس نمی شد. کما اینکه وجود بازیگران اصلی چنین سازمانهایی که بیشتر غربی ها و به ویژه آمریکا بوده، ایران را در نزدیکی با سازمانهای مزبور دچار تردید می ساخته است. مضاف بر اینکه پیوستن ایران به گات در این سالها که با وضعیت اقتصادی و تجاری بحرانی مواجه بوده، اساساً عملی بوده و نه به لحاظ پذیرفتن یک سلسله مقررات مغایر با شرایط خام اقتصادی ایران عقلایی به نظر می رسیده است. اما در سالهای اخیر به لحاظ مرتفع شدن نسبی شرایط بحرانی، پایان یافتن جنگ، کاهش تحریمهای بین المللی، سامان یافتن نسبی اوضاع اقتصادی و تجاری کشور و برقراری روابط بازرگانی و اقتصادی و صنعتی با

تعدادی از کشورهای پیشرفته غربی و به طور کلی مساعد شدن زمینه لازم جهت تنظیم سیاستها و روابط خاص تجاری از یک طرف و تأکید بر حضور فعال ایران در صحنه ها و مجامع بین المللی از طرف دیگر، به تعمق در ضرورت ورود به این سازمان انجامیده است. قابل توجه این است که در صورت الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی، تمام موافقت نامه های تجاری چند جانبه و مفاد پروتکل الحاقی که ابتدا میان دولت و گروه کاری تعیین شده از طرف سازمان مورد توافق قرار می گیرد و سپس به تصویب کنفرانس وزیران می رسد، برای ایران لازم الاجرا خواهد بود و دیگر اینکه دولت موظف است قوانین و مقررات خود را در راستای تعهدات پذیرفته شده مورد تجدید نظر قرار دهد، به علاوه آنها را از طریق روشهای خاص تعیین شده در موافقت نامه ها به اطلاع همه اعضای سازمان برساند. اما از آنجایی که سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران ملقمه ای از سیاست جایگزینی واردات و حمایت از صنایع داخلی و سیاست تشویق صادراتی است، نیازمند تغییر و تحول در قوانین و مقررات کشور است. از جمله قوانین

قانون اساسی در این مورد موضوعیت پیدا می‌کند. به عنوان مثال، در ماده ۲۳ موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری، برای علایم مشروبات الکلی حمایت‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شده است؛ بدیهی است چنین تعهدی مغایر با موازین اسلامی است. همین طور به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک داری، بیمه، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه‌آهن و مانند اینها به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است که با مقررات سازمان تجارت جهانی هم‌سو نیست.

در بخش بازرگانی خارجی طبق ماده ۱۷، هر عضو متعهد می‌شود که اگر بنگاهی دولتی را در هر کجا تأسیس یا حفظ کند یا به بنگاهی رسماً یا عملاً امتیاز انحصاری یا ویژه اعطا نماید، این بنگاه در خرید و فروشهایی که متضمن واردات و صادرات است، به گونه‌ای منطبق با اصول کلی رفتار غیر تبعیضی در مورد اقدامات دولتی مؤثر بر واردات یا صادرات تجار خصوصی عمل

اصلی کشور که بازرگانی خارجی براساس آن جریان می‌یابد، قانون مقررات صادرات و واردات مصوب مهر ۱۳۷۲ است که تعارضات موجود در آن و چگونگی آنها با الزامات سازمان تجارت جهانی یک ضرورت است. جدا از نفی معامله با اسرائیل و به عنوان یک رژیم غاصب، به طور کلی این قانون در سه مقوله اساسی با مقررات ماهوی موافقت‌نامه تجاری چند جانبه ارتباط می‌یابد که عبارتند از: حمایت از تولید داخلی، اعمال محدودیتهای وارداتی، و پرداخت یارانه صادراتی. این سه اصل از اصول پایه‌ای سازمان تجارت است که با سیاستهای تجاری ما در تضاد است. طبق اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و اداری باید براساس موازین اسلامی باشد. از طرف دیگر، به موجب بند ۴ ماده ۱۶ موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، هر عضو، انطباق قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های اداری خود را با تعهداتش طبق مقررات گات تضمین خواهد کرد. این انطباق ممکن است گاه با موازین اسلامی در تعارض باشد و در نتیجه اصل ۴

کند. همچنین به موجب این ماده، دولتها

ملزم هستند که این گونه خرید و فروشهای

خود را منحصرأ برحسب ملاحظات تجاری از

جمله قیمت، کیفیت، قابلیت استفاده،

قابلیت عرضه در بازار، حمل و نقل و دیگر

شرایط خرید یا فروش انجام دهند و به

بنگاههای طرفهای دیگر برحسب عرف

تجاری فرصت کافی دهند که جهت مشارکت

در چنین خرید و فروشهایی رقابت کنند. به

طوری که از این ماده بر می آید، هدف آن

است که سهم دولت در انجام فعالیتهای

تجاری به حداقل برسد و فقط نقش

هدایت کننده داشته باشد و در آن بخش نیز

اگر اقدام به فعالیت تجاری کند، ملاحظات

تجاری را در نظر بگیرد. بر این اساس

بازرگانی خارجی نمی تواند طبق اصل ۴۴

در اختیار دولت باشد. با توجه به مغایرت با

اصول قانون اساسی و همین طور قانون

تجارت، قبل از بررسی برخی از این تعارضات

از آنجایی که سازمان یک سازمان تجاری

بین المللی است، لازم است شناخت نسبی از

تجارت و همین طور اهداف و خواستههای

جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم، سپس

به تطبیق این قوانین در راستای ساختار

تجاری کشور و اهداف آن پردازیم.

عملکرد سیاست تجاری

اتکای نامتعادل کشور به درآمدهای

ارزی حاصل از بخش نفت، خاستگاه

مشکلات و نارساییهای ساختاری در

بخشهای مختلف اقتصاد کشور شده است. به

طور کلی، می توان ادعان نمود که نوعاً بخش

نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، ملاک

تصمیم گیریها و سیاست گذاریهای اقتصادی

کشور می باشد. تجربه نشان داده است هر

سالی که درآمدهای بخش نفت روند فزاینده

خود را از دست بدهد، بخشها و فعالیتهای

کشور دچار نوسان شده و شاخصهای

گوناگون (مانند سرمایه گذاریها و تولیدات

کالا و خدمات) متحول می شوند. همچنین به

تبع کاهش درآمد ارزی، واردات کاهش

می یابد و درآمدهای دولت از محل مالیاتهای

غیرمستقیم نیز از برنامه فاصله می گیرد.

نقاط درخشان و مثبت صادرات غیرنفتی

بیشتر در سالهایی است که درآمدهای بخش

نفت محدود شده و تصمیم جدی و اساسی در

مورد بهبود کم و کیف آن اتخاذ می شود و در

مقابل در سالهایی که رونق در درآمدهای

بخش نفت وجود دارد، مشاهده می شود که اهتمام به صادرات غیر نفتی همانند سالهای کمبود درآمد نفت نیست و تقریباً به طور کامل تغییر می یابد. به طور کلی، عدم ثبات درآمدها یکی دیگر از مشکلات کشور است و همین امر به نوبه خود سبب می شود که سیاستهای تجاری دچار روزمرگی شوند و راهبرد معین و باثباتی را نتوان تدوین کرد.

بدیهی است در صورت پیش بینی درست درآمد (صرف نظر از اندازه مطلق آن) برنامه های توسعه تأمین ملی که منبع آن از پیش تعیین شده است، به نحوی مطلوب تر و کارآمدتر می تواند به موقع به اجرا گذاشته شود. ضمن آنکه اگر شرط لازم باشد، به هیچ روی کافی نیست. مشکل عدم ثبات درآمدها که اکنون با توجه به محدودیت درآمدهای ارزی بخش نفت گریبان گیر کشور شده است، می تواند نظام اقتصادی را از جهات مختلفی تضعیف کند. یکی از تأثیرات منفی آن ایجاد مشکل در تراز پرداختها و در نتیجه تزلزل در واردات کالاهاست که می تواند به مشکل عمده ای در فرایند تولید برای صادرات یا تأمین نیازهای ضروری مردم در داخل تبدیل شود. در کنار شوک قیمت نفت

عواملی که در زمینه صادرات غیرنفتی می تواند معلول باشد، مواردی از قبیل زیر است: ۱. نوع صادرات کشور؛ ۲. کشش قیمت پایین تقاضا برای محصولات صادراتی؛ ۳. محدودیت در تولید مقدار محدودی کالا؛ و ۴. صادر کردن قسمت عمده صادرات به تعداد محدودی از بازارها و کشورها.

مجموعه این عوامل به طور مشترک سبب عدم دستیابی به نظام منسجم صادراتی می شوند و موجب می گردند که با تغییر کوچکی در شرایط حاکم بین المللی، حساسیت زیادی ایجاد شود و بسته به شرایط عکس العمل مثبت و منفی در درآمدهای صادراتی حاصل شود. در این میان ذکر این نکته لازم است که، مطلق صادرات لزوماً سبب افزایش درآمدهای ملی یا رشد شاخصهای اقتصادی به همان اندازه نمی شود، بلکه نحوه ارتباط علت و معلولی بین رشد صادرات و رشد تولید بستگی به این دارد که کشور در چه مرحله ای از پیشرفت است و فرایند نظام تولید آن در چه مقطعی می باشد. ارتباط بین رشد صادرات و رشد تولید آن، ارتباطی متقابل است و هریک سبب رشد دیگری می شود. اما اینکه در چه

تأثیر چه اندازه است، باید دید که کشور در چه مرحله ای از توسعه می باشد. چنانچه سطح و ظرفیت تولید کشور و ساختار آن ابتدایی و سنتی باشد، ارتباط رشد صادرات و رشد درآمد پایین است و هرچه فرایند تولید پیشرفته باشد ارتباط بین صادرات و درآمد قوی تر خواهد بود. علت این امر آن است که در اقتصادهای پیشرفته، کالاها و خدمات صادراتی در حد خام و ابتدایی صادر نمی شوند، بلکه به سبب ظرفیتهای بالاتر اقتصادی و دانش فنی حتی الامکان ارزش افزوده بالاتر به کالا تعلق می گیرد. همین امر سبب می شود که رشد صادرات سبب رشد درآمدهای بالاتر شود. هنگام مطالعه و بررسی صادرات غیرنفتی، مشکلات مزبور را می توان در دو بخش قرار داد: نخست آن بخش که به مسایل زیربنایی مربوط می شود؛ و دوم آن که به طور مستقیم با صادرات غیرنفتی مرتبط است. مشکلات زیربنایی مانند حمل و نقل و شبکه راههای ارتباطی، آموزش نیروی انسانی، ظرفیت بنادر و انبارهای موجود، تأسیسات آب، برق، انرژی و غیره از موضوعاتی هستند که در کل نظام اقتصادی از ضعف یا قوت آنها متأثر می شود و همان طوری که در برنامه های دوم توسعه هم می توان ملاحظه کرد، اهمیت شایانی به این مسایل داده است و بدیهی است که بهبود آن و رفع مشکلات این بخش اثرات مثبت و اجتناب ناپذیری بر روند صادرات غیرنفتی خواهد داشت و اما مشکلاتی که صادرات غیرنفتی را به طور انحصاری متأثر کرده و درخور توجه بیشتر است، عبارتند از:

۱. فقدان راهبرد تجاری؛
۲. ارزش افزوده پایین برخی از کالاهای صادراتی؛
۳. کثرت تقاضای داخلی برای کالاها؛
۴. پایین بودن میزان تولید؛
۵. نوسان نظام ارزشی و مالی که البته با سیاستهای قبل از تعدیل در نرخ ارز تأثیر این عامل در گذشته بیش از زمان حاضر بوده است؛
۶. عدم آشنایی یا آشنایی کم با بازارهای مصرف خارجی؛
۷. عدم بازاریابی و تبلیغات مناسب؛
۸. مشکلات مالی و اعتباری صادرکنندگان؛
۹. ضعف فنی ماشین آلات

بسته بندی؛

کرد تا این نتایج واقعی تر بررسی شود.

۱۰. فقدان امکانات اعتباری برخی از

هدفها و قوانین تجارت خارجی ایران

کشورهای توسعه یافته جهت واردات کالا و خدمات از ایران؛

تجارت خارجی در دنیای امروز به

۱۱. عدم موفقیت سیاست صادرات

عنوان یکی از مهم ترین عوامل و

از طریق قراردادهای «بای بک»،^(۱) به ویژه در بخش صنعت؛ و

شاخصه هایی است که در رکود و رونق

۱۲. محدود بودن تقاضای جهانی

اقتصادی نقش مؤثر و حایز اهمیتی را ایفا

برای محصولات غیر نفتی (کشاورزی سنتی) و وجود رقبا در صحنه بازار بین المللی.

می نماید. قوانین و مقررات می توانند در

به طور کلی ما شاهد افت و خیزهای

رکود یا توسعه اقتصادی مؤثر باشند و اصولاً

فراوان در روند تجارت خارجی ایران هستیم و علت آن همان طور که عنوان شد، اتکاء به

مقررات تدوین شده نشان دهنده نقش

درآمد بخش نفت است؛ به طوری که عدم ثبات درآمد، قدرت هرگونه برنامه ریزی و

تجارت جهانی و اثرات آن باشد. اثرات تجارت

تصمیم گیری منسجم را سلب می کند و باعث می شود که رویه های تجاری نظام

خارجی بر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور

راهبردی و بلند مدت نداشته باشد. به همین علت برای مطالعه عضویت ایران در WTO

ناشی از سیاست و خط مشی های اتخاذ شده

باید با توجه به ساختار تولید کشور و میزان چگونگی آزادی بیشتر گردش کالا و خدمات

و مقرراتی است که کشورها در خصوص

در سطح اقتصاد جهان و ابعاد گوناگون امکانات و مشکلات اقتصادی کشور عمل

بازرگانی کشورشان تدوین می کنند. در

کشورها نیز عمده ترین شاخصه ها و

چارچوبها، اهداف و سیاستهایی است که در

تجارت خارجی کشور مطرح بوده و تحت

عنوان قانون و مقررات صادرات و واردات از

تصویب قوه مقننه گذشته و با تصویب

آیین نامه اجرایی موازین این قانون به مرحله

اجرا در می آید. بنابراین، اهمیت این قانون و

آیین اجرایی آن قابل انکار نیست. در پیوست

۶. عضویت در سازمانها و اتحادیه های بین المللی و منطقه ای به منظور کسب منافع بیشتر در امور تجاری با دنیای خارج؛
۷. تشویق تشکلهای صنعتی برای هماهنگی در امر صادرات؛
۸. حمایت از توسعه صادرات غیر نفتی؛
۹. جلب اعتماد جهانی نسبت به کالاهای صادراتی از طریق مراعات استانداردها در کالاهای صادراتی و تدوین مقرراتی که براساس آن صادرکنندگان بتوانند کالای خود را با برجسب و عنوان ارایه نمایند؛
۱۰. تداوم سیاست تقویت مناطق آزاد تجاری؛ و
۱۱. تقویت امور بازرگانی در نمایندگیهای خارجی کشور.
- چنانچه ملاحظه می شود، برخی از بندهای سیاست مذکور می تواند در ارتباط با توافقیهای WTO مطرح شود. بند ۲ تنظیم روابط بازرگانی بادر نظر گرفتن محدودیتهای اعمال شده سایر کشورها انجام می شود. در صورت عضویت ایران در WTO، نظر به سوی کاهش محدودیتهای بین دو یا چند کشور به
- لایحه برنامه دوم جمهوری اسلامی ایران در قسمت خط مشی ها و سیاستها در ارتباط با تجارت خارجی نکات قابل توجهی وجود دارد و آنچه که مربوط به صادرات می شود عبارتند از:
۱. حذف روشهای دست و پاگیر گمرکی و مراحل اداری غیرتعارف ای؛
۲. به کارگیری روشهای تجاری مرسوم تجارت جهت تنظیم روابط بازرگانی خارجی به منظور گرفتن امتیازات خاص و مقایسه با محدودیتهایی که سایر کشورها اعمال می کنند؛
۳. تسهیل در شرایط ورود و خروج به صرفه تجارت برای افراد علاقه مند و جلوگیری از انحصار؛
۴. تدوین تعرفه ای گمرکی با در نظر گرفتن منابع تولید کنندگان و مزایای نسبی متناسب با شرایط جهانی به گونه ای که امکان ایجاد شرایط رقابت بین المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید؛
۵. ایجاد زمینه های لازم برای تبادل اطلاعات براساس پیشرفتهای حاصل شده در جهان؛

همه کشورهای عضو و عملاً مقابله با محدودیتهای فوق کم رنگ می شود. بند ۳ با هدف جلوگیری از انحصار مطرح شده است. به رغم اینکه جزئیات موضوع در آیین نامه های اجرایی منعکس است، با توافقیهای WTO (که حاکی از حذف اعضای تجاری است) مناسبت دارد و حتی جلوگیری از انحصار قاعداً باید شامل تجارت برخی از کالاها شود که از اولویت پایین تری برخوردار بوده و دولت متولی تجارت آنهاست.

در ضمن محتوای بند ۴ می تواند تا حدود زیادی با مفاد WTO تطابق داشته باشد. اما حداقل در کوتاه مدت با منافع تولید کنندگان و مصرف کنندگان لزوماً هم سو نمی باشد. بند ۸ با توجه به حذف یارانه و تشویقهای صادراتی و ایجاد شفافیت و رقابت در بازار کالاها و خدمات تجاری می باشد. بنابراین برخی از مفاد بند ۸ با WTO هماهنگ نیست. در واقع، رژیم تجاری ایران در سالهای اخیر دچار تحولات زیادی شده است. مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرده، عوارض و مالیاتهای وارداتی محدودتر شده و در یک کلام سیاستهای تجاری به سوی آزادی بیشتر، گردیده است.

بررسی اثر نرخ تعرفه بر واردات

غالباً هدفهای کشورهای از سیاست بازرگانی خارجی متعدد و گاهی حتی مغایر هستند. در عین حال، حتی اگر این گونه هدفها هماهنگ با یکدیگر هم باشند، باز هیچ کشوری برای انجام همه اهداف ابزار کافی در اختیار ندارد. موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت نمونه ای از سازش میان هدفهای ملی با اهداف اقتصادی سایر کشورهای عضو است. برقراری تعرفه یکی از ابزارهای مداخله دولت در مبادلات تجاری است که به منظور فعالیتهای اقتصاد ملی و جلوگیری از رقابت خارجی به کار گرفته می شود. در این مورد، مکانیسم عمل دولت عبارت است از: موثر واقع شدن در میزان واردات و صادرات از طریق تأثیر در قیمت کالاهای وارداتی. بدیهی است که تغییر در قیمتها سبب تغییر در تولید و مصرف داخلی می شود. به طور کلی، هدف جمهوری اسلامی ایران از کاهش تعرفه و اثرات اقتصادی ناشی از وضع عوارض گمرکی به صورت زیر است:

۱. تغییر در قیمتها بر حسب شرایط بازار و کشش عرض و تقاضای کالای مشمول

عوارض گمرکی؛

۲. افزایش درآمد نفت؛

۳. کاهش هزینه ارزی واردات کالا و

همچنین کاهش غیرمستقیم ارزی حاصل از صادرات؛

۴. تغییر در توزیع درآمد از

مصرف کنندگان به تولید کنندگان؛

۵. تغییر در مقدار مصرف و تولید

کالاها؛ و

۶. حمایت از تولید داخلی.

اولین اثر کاهش تعرفه بر صنایع ایران

ظهور خواهد کرد؛ چرا که به علت ضعف

ساختاری صنعتی کشور به دلیل تأثیر ناچیز و

یا نبود جایگاهی برای آن امکان ادامه کار

بسیار مشکل خواهد بود و در نتیجه این

صنایع اندک نه تنها توان رقابت را از دست

خواهند داد، بلکه ممکن است به قیمت

از دست رفتن همین اندک صنایع نوپا منجر

شود. آمار خود بیانگر این مسئله است که

سهم جمهوری اسلامی ایران در واردات

جهان حدود ۰.۸٪ و سهم آن در صادرات جهان

با احتساب صدور نفت ۰.۵٪ و بدون احتساب

آن کمتر از ۰.۱٪ است. ۱٪ را هم صنعت

تشکیل نمی دهد، بلکه صنایع دستی به طور

عمده فروش و محصولات کشاورزی تشکیل

می دهند. با این وصف، اگر چتر حمایت

دولت برداشته شود ما آن را از دست خواهیم

داد. دومین اثر کاهش تعرفه کاهش درآمد

دولتی است و این درآمدها سهم قابل توجهی

از درآمدهای دولت دارد. سومین اثر کاهش

تعرفه بر هزینه های دولت است که یارانه های

اعطا شده کاهش خواهد یافت. اما مهم ترین

اثر آن باز شدن درهای کشور به روی کالاهای

خارجی است که کالاهای داخلی با توجه به

نوع ساخت و کیفیت آنها به طور مسلم توان

رقابت با تولیدات خارجی را ندارد و از گردونه

رقابت خارج خواهند شد.

تنها جنبه مثبت کاهش تعرفه ها به

تبع عضویت در WTO آن است که

صادر کنندگان ایرانی می توانند موقعیت

بهتری در بازارهای خارجی پیدا کنند. حتی

برخی معتقدند کاهش تعرفه باعث کاهش

هزینه های کالاها خواهد شد و امکان رقابت

را افزایش خواهد داد. همین طور کاهش

حمایت از تولیدات جایگزین واردات به همراه

عوامل یاد شده، منابع را به سوی توسعه

صادرات هدایت خواهد کرد.

از مهم ترین آثار اجتماعی کاهش تعرفه

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تقویت صنایع داخلی بر می‌گردد.

۱. بر اثر هجوم واردات ارزان قیمت

کاهش حمایت داخلی و یارانه صادراتی

تولید و اشتغال کاهش می‌یابد؛

۲. به دلیل نقص در بازار کار یا

مقررات سازمان تجارت جهانی در

سرمایه، عوامل تولید به سرعت جذب بخشهای دیگر خواهند شد؛

خصوص یارانه، استفاده از یارانه برای دستیابی به اهداف مختلف را به رسمیت

۳. بیشترین تأثیر بر آن دسته از

می‌شناسد. اما حقوق دولتها در مورد اعطای

تولیدات داخلی است که جانشین نزدیک واردات هستند و در حال حاضر از حمایت

یارانه که آثار انحراف تجاری دارند را محدود

قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، به طوری که کاهش تعرفه‌ها مزیت قیمت آنها را به شدت

یارانه پرداختی در بخش کشاورزی در طول

تضعیف و یا عدم مزیت آنها را تشدید خواهد کرد. صنایعی مثل نساجی، پوشاک، چرم،

برنامه دوم ۲۲۰۰ میلیارد ریال است که

ماشین‌آلات و وسایل فلزی که ۹۰٪ اشتغال صنایع کشور را در اختیار دارند، از بیشترین

حسود ۹٪ آن به صورت یارانه به

حمایت هم برخوردار هستند. اما همه اینها مستلزم آن است که ما

مصرف کنندگان گندم پرداخت شده است.

در چه کالا یا کالاهایی بتوانیم در آینده به مزیت نسبی دست پیدا کنیم. برای به دست

به هر حال پرداخت یارانه به کالاهای

آوردن مزیت نسبی یک کالا، در حال حاضر نیاز به حمایت از برخی تولیدات داخلی و

صادراتی دارای توجیه اقتصادی نیست و

رساندن آنها به سطح استانداردهای جهانی وجود دارد. در نتیجه بیش از هر چیز، اقدام

یارانه نیز مانند تعرفه به ترخیص غیربهبینه

در این گونه موارد به نگرش برنامه‌ریزی و

منابع منجر شده و در عمل رفاه عمومی کشور

کاهش خواهد یافت و مصرف کنندگان

داخلی با قیمتهای بالاتر مواجه می‌شوند.

مهم‌ترین اثر یارانه بر روی برخی

محصولات صنعتی است که نهادهای خود را

با ارز اسمی دریافت می‌کنند و می‌توان تأثیر

منفی یارانه را در این زمینه کاملاً محتمل

دانست. در عمل رابطه مبادله نیز به زبان

کشور تغییر پیدا می کند، ولی در مقابل با کاهش یا حذف یارانه تولید کنندگان و صادر کنندگان هستند که سود خواهند برد.

محدودیت‌های وارداتی

طبق قانون و مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه بندی، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طریق دیگر در مورد ورود هر محصول از سرزمین عضو دیگر و یا صدور هر محصولی که مقصد آن سرزمین عضو دیگر باشد، وضع یا حفظ کنند. در اجرای سیاست

محدودیت واردات، محدودیت‌های وارداتی به صدور گوناگون در قانون مقررات صادرات و واردات ملاحظه می گردد. طبقه بندی کالاهای وارداتی به حد مجاز، مشروط و ممنوع (به جز مواردی که به دلایل امنیتی یا مسایل شرعی و عفت عمومی قابل توجیه است)، تصریح به محدودیت واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری، لزوم اخذ مجوز ورود و ثبت و سفارش، اولویت حمل کالاهای وارداتی کشور با وسایل نقلیه ایرانی، اخذ پیمان ارزی برخلاف قانون مقررات صادرات و واردات، وصول عوارض اضافی از واردات،

تودیع سپرده و پیش پرداخت گشایش اعتباری و محاسبه قیمت کالاهای مستعمل بر مبنای قیمت کالاهای نو، از جمله مواردی هستند که می تواند در تعارض با قوانین مربوط به موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی قرار گیرد. یعنی کاملاً لازم است که در این زمینه قانون تجارت تغییر و هماهنگ با سازمان تجارت جهانی گردد که در این صورت باید منتظر عواقب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن بود.

بخش خدمات و WTO

در مورد ساختار سازمان تجارت جهانی باید گفت که تجارت خدمات حدود ۵۰٪ تجارت کالایی دنیاست، در زمینه موقعیت کشور ایران در ساختار جهانی خدمات باید گفت: آمار صادرات و واردات و خدمات کشور در سال ۱۳۷۰ حاکی از آن است که ایران در مجموع وارد کننده خدمات محسوب می شود. سهم ایران در تجارت خدمات نیز همانند سهم ما در تجارت خارجی کالا بسیار ناچیز است. این سهم ناچیز به نوبه خود حاکی از آن است که در صورت فراهم شدن زمینه های لازم، کشور

ایران می‌تواند به سرعت صادرات کالاها و خدمات خود را افزایش دهد، بدون اینکه این افزایش در بازار جهانی چندان محسوس باشد. از نظر خدمات مالی، مقررات WTO تمام خدمات بیمه و مرتبط با بیمه همچنین سیستم خدمات بانکی و سایر خدمات مالی را دربر می‌گیرد. خدمات بیمه، شامل بیمه مستقیم، بیمه اتکایی واسطه‌گری، بیمه و خدمات مشاوره‌ای بیمه می‌شود. با توجه به حوزه فعالیت گسترده‌ای که موافقت تجاری خدمات برای فعالیتهای مؤسسه‌های بیمه و بانکها در کشورهای عضو مقرر می‌دارد و اینکه هیچ قیودی وجود ندارد که عرضه‌کنندگان الزاماً دولتی باشند، بر عکس تأکید بر غیردولتی بودن این مؤسسه‌هاست. پس از قبول موافقت‌نامه و سپری شدن موعد پیش‌بینی شده، مغایرتهای اساسی این مواد با اصل چهارم قانون اساسی (راجع به موازین اسلامی) در مورد اینکه بانک‌داری و بیمه جزء و بخش دولتی هستند، مشاهده می‌گردد. فعالیت عرضه‌کنندگان خارجی در زمینه خدمات مربوط برای ارتباط راه دور عمومی علی‌الحصول مجاز است. اما اگر در نهایت آزادسازی کامل در این بخش از

خدمات صورت گیرد، مغایرتهایی با اصل ۲۴ قانون اساسی به وجود می‌آید که به موجب آن پست و تلگراف و تلفن به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت هستند. همچنین طبق اصل ۸۱ قانون اساسی، دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسه‌ها در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان به طور مطلق ممنوع است و آزاد گذاشتن دست شرکتهای خارجی در زمینه خدمات کاملاً مغایر با مفاد قانون اساسی است. به رغم این تسهیلات برای کشورهای در حال توسعه، اصل ۸۱ قانون اساسی، ممنوعیتی مطلق برای تشکیل هرگونه شرکت خارجی در ایران ایجاد می‌کند و نظرات شورای نگهبان نیز صرفاً ناظر بر شرکتهای خارجی طرف قرارداد دستگاههای دولتی بوده و مجوزی عام برای تشکیل شرکتهای خارجی در ایران توسط اعضای WTO محسوب نمی‌شود. بنابراین، برای عضویت در WTO نه تنها این سری از قوانین باید تغییر یابد، بلکه در قبال دسترسی به بازار باید امتیازاتی به سایر اعضا WTO نیز داده شود. از این رو، باید در پی آن باشیم که بینیم در چه زمینه‌هایی مزیت نسبی داریم

تا در صحبت تقویت آن برآییم.

اقتصاد خود را بر همان اساس تنظیم کرده است.

سیاستهای ارزی ایران و WTO

بنابراین، هربار که درآمد نفتی کشور

از دیگر موارد مهمی که در جهت

با نوسان شدیدی روبه رو شود، به طبع

پیوستن ایران به WTO باید به آن اشاره شود،

سیاستهای ارزی نیز تحت تأثیر قرار

سیستم ارزی کشور است. در نظام سه نرخ

می گیرد. به این ترتیب همواره وجود یا عدم

گذشته، صادرات و واردات و نیز صنایع کشور

وجود منابع ارزی مسئله آزاد سازی یا کنترل

هریک به گونه ای در رابطه با مسئله ارز مورد

واردات را پیش آورد که این مهم ترین مشکل

حمایت قرار داشتند. طبیعی است تداوم

در راه ورود ایران به WTO محسوب می شود.

چنین سیاستی نمی توانست دروازه های

چنین وضعیتی طبعاً آزادی تجارت را که

WTO را به روی ایران بگشاید؛ چرا که WTO

مد نظر WTO است، ناممکن می سازد. وقتی

خواستار سیستم ارزی همسانی است که

کمیته تنظیم بازار در ۷ آذر ماه ۱۳۷۲ اعلام

بیشتر کشورهای عضو یا پیش از ورود به گات

کرد که تنها وارد کنندگانی می توانند نسبت

و یا در مراحل نخستین عضویت در آن به

به ترخیص کالای خود از گمرکات کشور

چنین تغییری تن در داده اند. با توجه به

اقدام کنند که ارز مورد نیاز را از طریق

تک نرخ شدن ارز، عملاً این مشکل از میان

سیستم بانکی تهیه کرده باشند، تصمیمی در

برداشته شد؛ چرا که امروزه حمایت از تولید و

تعارض مستقیم با هدفهای WTO برداشت.

صنعت داخلی تنها از طریق ارایه ارز ارزان

در حقیقت سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز

صورت نمی گیرد. اما مهم تر از خود نرخ ارز،

برای ورود کالا بر حسب اولویتهای خاص و

موضوع سیاستهای ارزی و تأثیرات مدیریت و

نیز برخوردار ساختن برخی کالاها از نرخهای

کنترل این سیاستها بر تجارت خارجی است.

ارزی ویژه، خود نوعی محدودیت کمی به

به دلیل نقش نفت در تأمین نیازهای ارزی،

شمار می رود؛ چرا که عدم تخصیص ارز به

کشور ایران همواره وابستگی زیادی به ارز

کالایی خاص موجب مشکل تر شدن ورود آن

خاص از فروش نفت خام دارد و ناگزیر

کالای می گردد که در تعارض با اصول

موافقت نامه WTO است.

قوانین بانکی و بیمه WTO

به موجب لایحه قانون ملی شدن مؤسسه های بیمه و اعتباری سال ۱۳۸۵ طبق مفاد ۱ و ۲، به منظور حفظ حقوق بیمه گذاران و گسترش صنعت بیمه در سراسر کشور و گماردن بیمه در خدمت مردم از تاریخ تصویب این قانون، کلیه مؤسسه های بیمه ضمن قبول اصل مالکیت مشروع، ملی اعلام می شود و پروانه فعالیت های نمایندگی های مؤسسه های بیمه خارجی در ایران لغو می گردد. (قانون مصوب سال ۱۳۸۵ بیمه کشور). همین طور به موجب قانون ملی شدن بانکها مصوب سال ۱۳۸۵، کلیه بانکها ملی اعلام می شوند و دولت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیران بانکها اقدام نماید. بنابراین، این ماده کاملاً مغایر با اصول WTO است که از کشورهای عضو می خواهد تا دسترسی خارجیها را نسبت به سیستم بانکی آسان تر نماید. علاوه بر این، در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲، هدف نظام بانکی اسلامی استقرار نظام پولی و اعتباری بر

مبنای حق و عدل (با رعایت ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصادی کشور تعیین شده است که در اساس با سیستم بانکی بسیاری از کشورها مغایر است و حرکت در چارچوب WTO و تطبیق سیستم بانکی با مفاد WTO عدول از برخی اصول در این زمینه است که اولین آن کنار گذاشتن نقش دولت و رشد بخش خصوصی و همین طور سرمایه گذاری خارجیان در نظام بانکی کشور است که کاملاً با اصول قانون اساسی مغایر است.

همین طور در مورد شرکتهای بیمه، طبق قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گیری مصوب سال ۱۳۵۰، واگذاری سهام موسسه های بیمه ایرانی غیردولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است. این ماده تبصره ای هم دارد که انتقال سهام موسسه های بیمه بیش از ۴۹٪ به اشخاص حقوقی یا حقیقی خارجی به طور مطلق ممنوع است. بنابراین، اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک اصل اساسی است که دادن امتیاز را به

تشکیل شرکتهای و موسسه‌ها در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به حارجیان به طور مطلق ممنوع کرده است. باید توجه داشت که در تدوین متن موافقت‌نامه WTO همواره تأکید شده است که شرکتهای خارجی باید بتوانند آزادانه نسبت به ارایه خدمات مورد نظر در سایر کشورهای عضو اقدام کنند، که این موضوع طبعاً با مفاد قانون اساسی ایران در تضاد است.

با در نظر گرفتن این مسایل، بد نیست توجهی هم به پروسه درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بیندازیم. در سال ۱۹۹۵ ایران با مطرح کردن تقاضانامه‌ای، علاقه‌مندی خود را برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی اعلام نمود و در چند سال گذشته با برآورد قابلیت مذاکرات آینده بسیار جدی‌تر شروع کرده است. در حالی که تعدادی از اعضای سازمان تجارت جهانی مانند اتحادیه اروپا به پذیرش ایران مشتاق می‌باشند، آمریکا به آسانی با پیوستن ایران مخالفت می‌کند که آخرین آن نیز ششم مرداد ۱۳۸۳ بود که برای همه همین بار درخواست الحاق ایران مورد

بررسی قرار گرفت و بار دیگر به دلیل موضع آمریکا درباره ورود ایران، کشورمان از دستیابی به آغاز مذاکرات الحاق بازماند. بنابراین درخواست الحاق ایران ۸ سال تمام را از زمان تسلیم به دبیرخانه سازمان در ژوئیه ۱۹۹۶ پشت سر نهاده است. در ابتدا ایران درخواست عضویت ناظر را کرد. در این درخواست که نخستین درخواست عضویت ناظر از سازمان تجارت جهانی محسوب می‌شود، ایران با اشاره به برخورداری خود از عضویت ناظر در گات و مطابق با پیوست دوم آیین‌نامه شورای عمومی و به همراه ارایه یادداشتی از سیاستهای اقتصادی و تجاری خود، خواستار عضویت ناظر در WTO شد و به علاوه سازمان را مطلع ساخت که درخواست الحاق خود را تحت بررسی دارد. اما درخواست عضویت ناظر بودن ایران هیچ‌گاه مورد بررسی شورای عمومی قرار نگرفت.

یک سال بعد، در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ درخواست الحاق ایران تسلیم مدیر کل سازمان شد. مدت کوتاهی پس از آن در اکتبر ۱۹۹۶ و در آستانه برگزاری نخستین نشست وزیران سازمان تجارت جهانی در سنگاپور،

ایران خواستار برخورداری از وضعیت ناظر در نشست وزیران سنگاپور شد. این درخواست مورد بررسی نشست شورای عمومی در نوامبر ۱۹۹۶ قرار گرفت. در این نشست رییس مجلس شورای عمومی پس از طرح درخواست، ابراز داشت که بر مبنای مشورتهایی که انجام داده است، باید به اطلاع شورا برساند که در خصوص پذیرش این درخواست اجماع وجود ندارد. با این حال درخواست الحاق ایران تا نزدیک به ۵ سال بعد در دستور کار جلسات شورای عمومی قرار نگرفت. در سال ۲۰۰۰ به دنبال ملاقات نماینده وقت تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران با نماینده مصر در WTO در حاشیه اجلاس دهم آنکتاد و با پی گیری نماینده دایم ایران در ژنو، در خصوص نحوه اقدام برای آغاز مذاکرات الحاق ایران، اقداماتی توسط گروه غیررسمی کشورهای در حال توسعه در سازمان مذکور به ریاست مصر صورت گرفت و سرانجام به رغم مخالفت‌های آمریکا، درخواست عضویت ایران در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ در دستور کار نشست شورای عمومی سازمان تجارت جهانی - بیشتر از سه سال بدون دستیابی به

نتیجه‌ای تحت بررسی این شورا - قرار گرفته و در هر نشست شورای عمومی بررسی مجدد درخواست به نشست بعدی موکول گردیده است. بنابراین، الحاق ایران هم با موانع سیاسی خارجی و هم موانع داخلی روبه‌رو است. اساساً تجارت در ایران راه پر پیچ و خمی می‌باشد و قوانین کمک‌های دولتی و مالیاتی به کندی تغییر می‌یابند؛ زیرا بسته به ارتباطات سیاسی موجود در ساختار دولت، تضمین می‌شود که چه کاری و کجا باید انجام شود. مقررات مبهم و تبعیض واقعی در فعالیت اقتصادی تا حدی انعکاسی از ساختار سیاسی کشور است که در آن قدرتهای موازی و سیستم پیچیده تعدد مراکز قدرت براساس گرایش، به میزان قدرت در تغییر موقعیت قرارداد معاملات اثر می‌گذارند. بدون شک، ترجیح‌ها و تبعیضها موانعی در معاملات و قراردادهای می‌باشند، اما فقط بعد از اینکه ایران را مدیریت و اداره کردند، تصویر کل را به جامعه ارایه و آنها را متقاعد خواهند کرد. صدور حکم توسط رهبر انقلاب، چنین فرضیه‌ای را با احضار شاخه‌هایی از قدرت جهت مبارزه با فساد و تبعیض در فعالیتهای اقتصادی نشان می‌دهد. در حالی که مبارزه

با فساد، فریب و سوء استفاده از قدرت در تلاشهای اقتصادی در سطح عالی دستور جلسات و کارهایی که باید به آن رسیدگی شود، قرار دارد. دولت ایران با دو وضعیت خطرناک مواجه است: از یک سو باید صنایع داخلی را متقاعد نماید که پیش بینی و اندازه گیریهای لازم را جهت تأمین بقاء خود و به علاوه سودآوری در نظر بگیرند و از سوی دیگر، جهان خارجی را متقاعد کند که ایران هنوز درگیر اصلاحات و پی گیر واقع گریزی در نظم مطابق با سیاستها و اصول سازمان تجارت جهانی است. نمونه خوب آن تلاش اخیر دولت در رفع ممانعت از واردات خودرو بود. حراج مزایده تولیدات خودرو داخلی پرسروصدا و قرارداد معاملاتشان نیز با قدرت بود. با ابتکار و توجه به قانون سرمایه گذاری خارجی و همچنین سایر مقررات مربوطه که در مراحل آمادگی هستند، نشان داده شد که دولت در صدد اصلاح واقعیتهای اقتصادی است. با وجود اینکه چیزی که بتواند تلاش ایران را برای پیوستن به WTO شتاب و تسریع بخشد، وجود پاره ای از ابلاغیه های غیرمستقیم از سوی اعضای سازمان تجارت جهانی است که به طور موفقیت آمیز

اصلاحات را اجرا کرده است، قوانین هنوز در وضعیت پیش نویس هستند. سؤال این است که چگونه می توانیم صنایع داخلی را حمایت کنیم و هم زمان از تجسارت و رژیم سرمایه گذاری رفع موانع کنیم و کشور را رقابتی تر بسازیم؟ کشور برای متقاعد کرد جهان خارج به بهبود مواضع و اصلاحات بیشتری نیاز دارد و در عین حال ارتباطات خارجی را مانند هر کشوری که تمایل داشته و قادر به تغییر و توسعه است، می نگرد. گرچه ایران از پشتیبانی کشورهای اتحادیه اروپا و دیگر دولتهای مهم مانند ژاپن و مالزی برخوردار است، اما هنوز تا رسیدن به شرایط حل اختلافها با آمریکا فاصله زیادی دارد. جالب اینجاست که براساس بررسی انجام شده توسط بنیاد میراث آمریکا مبنی بر اینکه چگونه ملتها خود را برای جهانی شدن و آمادگی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی مهیا می کنند، ایران رتبه ۱۵۱ را در میان ۱۵۵ کشور داراست.

واقعیت آن است که عضویت به راحتی میسر نخواهد شد؛ چرا که در شرایط کنونی ایران منابع و ذخیره مالی کافی در اختیار ندارد و در برخی حوزه ها نیز با رکود مواجه

تکامل اقتصادی و بازار مشترک عربی: علل شکست و شرایط حرکت

عبدالغنی عماد، استاد دانشگاه لبنان
ترجمه و تلخیص عبدالرضا همدانی، پژوهشگر
مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک
خاورمیانه

پروژه بازار مشترک عربی و تکامل اقتصادی در عصر جهانی شدن بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا هر چقدر توان اقتصادی کشور ما ضعیف‌تر باشد، راحت‌تر توسط قدرتهای بزرگ اقتصادی بلعیده می‌شوند و مجبور می‌گردند که حتی به لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز از این قدرتها تبعیت کنند. این نوشته به دنبال تبیین اهمیت بازار مشترک عربی و تکامل اقتصادی نیست، که در مورد آنها بسیار نوشته شده است، آن هم در اندازه‌ای که درصد مقایسه تجربه شکست خورده عربی در برابر تجربه موفق اروپا در زمینه ساز و کارها و قوانین تکمیلی و توحیدی می‌باشد.

در ۲۵ مارس ۱۹۵۷، شش کشور

است، طوری که به نظر می‌رسد صنایع داخلی برای یک دوره ۵ تا ۱۰ ساله نیازمند پشتیبانی و حمایت می‌باشند. براین اساس، اقتصاد کشور می‌تواند با سرعتی بیشتر از نو باسازی و تنظیم شود و مهم‌ترین عنصر افزایش و پیشرفت واقعی در فعالیت بخش خصوصی قرار دارد. به همین دلیل در ایران نتیجه‌ای از تحریم پدیدار نیست، اما در یک مرحله توسعه فعالیت اقتصادی بخش خصوصی شکاف جدی در فعالیت اقتصادی ایران به وجود خواهد آورد. پیشرفت اقتصادی با عدم مدیریت و نامناسب بودن روند اقتصاد در سیستم قاعده‌مند، غیر ممکن است؛ عضویت چین گواهی بر این مدعاست، اما اگر اساساً ایران نخواهد به سرعت اقدام کند، پشت درهای حرکت سریع اقتصاد جهانی شدن باز خواهد ماند.